بسمه تعالی

صلح از منظر فلسفه سیاسی متعالیه

شریف لک­زایی[[1]](#footnote-1)

نجمه کیخا[[2]](#footnote-2)

**چکیده**

مقاله حاضر با این هدف نگارش شده است تا با تمرکز بر دیدگاه فیلسوفان حکمت متعالیه بتواند نمایی از مسأله صلح را در فلسفه سیاسی متعالیه باز نماید. پرسش اصلی بحث این است که در فلسفه سیاسی متعالیه چه تصویری از صلح ترسیم می­شود و صلح چه جایگاهی در این فلسفه دارد؟ در پاسخ به پرسش مذکور این مدعا مورد توجه قرار گرفته است که در فلسفه سیاسی متعالیه تمامی عرصه­های زندگی انسان درگیر مسأله صلح می­شود و باید برای همه ارکان سه گانه زندگی مانند فرهنگ، سیاست و اقتصاد صلح تدارک شود در غیر این صورت نمی­توان از صلح سخنی به میان آورد. درواقع چالش در هر کدام از سه بخش مورد اشاره می­تواند به برقراری و تحقق صلح خلل وارد سازد. از نظر فلسفه اسلامي هر چیزی که معرفت، امنیت و معیشت و درواقع عدالت جامعه را مختل نماید از صلح دور شده است. از این منظر می­توان گفت که جنگ و صلح هر دو بر جامعه عارض می­شود. اگر عدالت باشد، صلح برقرار است و معرفت، امنیت و معیشت در جامعه به سامان است و اگر عدالت نباشد، جنگ و ستیز اتفاق می­افتد. از این رو است که در فلسفه اسلامی بر عدالت تأکید زیادی شده است و در کنار علم و معرفت، از مهم­ترین ویژگی­های حاکم مسلمان به شمار می­رود.

**واژه­های کلیدی**: صلح، صلح متعالیه، فلسفه سیاسی متعالیه، صدرالدین شیرازی

بسمه تعالی

**Peace From the perspective of political philosophy transcendent**

Sharif Lakzaei[[3]](#footnote-3)

Najmeh Keikha[[4]](#footnote-4)

**Abstract**  
The main argument turns drawing a picture of peace in the transcendent political philosophy. The main question is that what is transcendent political philosophy draws a picture of peace and what is the position of peace in this philosophy?

In response to the question is taken into consideration that in the Political Philosophy transcendent all human life involved this issue. And peace should be prepared for all the three pillars of life such as culture, politics and economic; Otherwise cannot speak of peace in general.

In fact, in each of the three sections mentioned challenges can contact and interfere with the peace. In The Islamic philosophy Anything that disrupt the knowledge, security and livelihoods, and indeed justice, away from peace. From this perspective we can say that war and peace both cheeks placed on society. If there is justice, there will be peace, and organize knowledge, security and livelihoods in the community; and if not justice, conflict occurs. Thus, in Islamic philosophy has been too much emphasis on justice and the knowledge near the justice is of the most important features of Muslim ruler....

Keywords: Peace, Peace Transcendent, Political Philosophy Transcendent, Sadr al-Din Shirazi

1. . استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (sharif@isca.ac.ir) [↑](#footnote-ref-1)
2. . استادیار دانشگاه شهید بهشتی (najmeh\_keikha@yahoo.com) [↑](#footnote-ref-2)
3. . Assistant Professor Academy of Islamic Sciences and Culture (sharif@isca.ac.ir). [↑](#footnote-ref-3)
4. . Assistant Professor Shahid Beheshti University (najmeh\_keikha@yahoo.com). [↑](#footnote-ref-4)